رضا قدیمی مدیرعامل سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران گفت: به طور متوسط در هفته ۳۰ میلیون تومان هزینه درمان کارتن خواب شده اند و ۲۰ درصد نیز به دلیل مشکلاتی همچون ورشکستگی، شکست عشقی و... به کارتن خوابی روی آورده اند.

۸۰ درصد کارتن خواب ها معتاد هستند

چند ساعت خیابان گردی و هم صحبتی با اهالی شیشه و تریاک

کارتن خواب ها چه می گویند؟

دانش پور
info@khorasannews.com

یادم نمی رود تمام ژست هایش را که قد و بالایش را با تفاخر نشان می داد و می گفت: «با همین ریخت و قیافه دختری عاشقم است. هر روز برایم پول های میلیونی می آورد» یا آن جمله آخرش را که «فکر نمی کنم با نوشتن این حرف ها کسی به فکر ما باشد، تازه اگر ما را از فردا شب بیرون نیندازند کار کرده اند» خودش که می گفت قربانی تبعیض بین فرزندان است. از پدری پولدار اما بی توجه به خانواده و به خصوص او. ولی رفیقش تاکید داشت که شیشه می زند و نباید حرف هایش را جدی بگیریم! محسن جاو مکانی ندارد، شب هایش را در مددسرای شهرداری می گذراند. سه سال است که هر شب کارش همین است. خیلی از زندگی شبانه در مددسرا راضی نیست. اگر چه حرف هایی که می گوید را آن هایی که حال و روز درست و درمان تری دارند تایید می کنند. شاید هم بر اثر شیشه باشد؛ نمی دانم!

■ ساعت از ۹ شب گذشته...

ساعت از ۹ شب گذشته. این روزها سرمای هوا استخوان سوز نیست اما آزار دهنده است. نشانی به دست در منطقه ای از جنوب شرق تهران به دنبال مرکز نگهداری کارتن خواب ها می گردیم. پیش از آن که تابلوی مددسرای خاوران را کمی بعد از شهرک رضویه در حاشیه اتوبان امام رضا(ع) ببینیم، جمع معتادان که همان نزدیکی، در ست سر کوچه مددسرا، کنار آتش در حال مصرف مواد هستند، متوقف مان می کند. یکی دو نفر سرنگ به دست دارند و چند نفری هم سرشان گرم شیشه ای است که داخل گودی پایپ، چاق شده است. در دست بعضی ها زورق های هروئین برق می زند و بقیه که حالشان حتی از این ها هم خراب تر است. هیچ کس آن دور و بر کاری به کارشان ندارد. دو معتاد کنار آتش با حالی خراب روی زمین نشسته اند.

در این سرما چرا خوابگاه نمی روید؟

* اول بکشیم بعد می رویم. آن جا که نمی گذارند موادمصرف کنیم.

آن یکی که حتی نمی تواند سرش را بالا بیاورد، ادامه حرفش را می گیرد:

* خانم بنویسید ما را ساعت ۵ بیرون نکنند! اصلا برایشان فرقی نمی کند برف و باران باشد یا سرما و گرما، ساعت ۵ که می شود ما را بیرون می ریزند. به جای شب ها، صبح های زود، وقتی هنوز هوا تاریک است خیابان خواب می شویم.

می گویم: همین قدر که حمام می کنید و در جای گرم کمی استراحت می کنید راضی نیستید؟

* حمامش همیشه گرم نیست گاهی آبش سرد است. چند خوابگاه دیگر هم رفته ام همه جا همین طور است. اگر دیر برویم که بدتر. مجبوریم به یکی از سالن هایی برویم که همه با لباس های تنشان می خوابند، بوی گند می دهد و پر از شپش است.

سرم را که بر می گردانم شاید بیشتر از ۱۵-۱۰ معتاد اطرافم ایستاده اند. یک باره همگی شروع می کنند به صحبت. یکی از آن ها می گوید: خانم دروغ می گویند. همیشه آب حمامش گرم است. مکانش هم تمیز است و شپش ندارد. همه چیز خوب است. هنوز حرفش تمام نشده که یک دفعه صدای همه معتادان در می آید «چرا دروغ می گی؟»

آن وسط حامد جلو می آید و می گوید «این ها را اول کن، بذار من برات بگم»

فکر نمی کنم بیشتر از ۲۰ سال داشته باشد. به نظر حالش خوب می آید. حرف زدنش هم کمی عادی تر است. «این جا دو گروه هستند. یک گروه که زودتر می آیند و باید لباس مخصوص خوابگاه را بپوشند. در سالن آن ها تخت و امکانات وجود دارد. ولی گروه دوم که ضایعات جمع کن هستند دیر می آیند و یا ماموران آن ها را جمع می کنند و با لباس های تنشان داخل سالن می روند. (اشاره می کند به لباس های خودش) با همین لباس های افتضاح و کثیف که پر از شپش و کثافت است. ساعت بیدار باش و بیرون کردن معتادان هم فرق می کند. کسانی که در سالن اصلی می خوابند ساعت ۶ باید بیدار شوند ولی بقیه را ۵ صبح بیرون می کنند. شاید گاهی هوا سرد باشد ولی همیشه هم مادلمان نمی خواهد این جا بیاییم. گاهی ما را به زور می آورند. اگر می شد همین جا آتش روشن کنیم و مشکلی برایمان درست نکنند، همین جا می ماندیم.» بین آن ها حسن از بقیه سن بیشتری دارد. میانسال است:

«دیپلم ادبیات دارم و باز نشسته.... هستم با برادرم به اختلاف خوردم و برایم پاپوش درست کرد. چند سال زندان بودم و بعد که بیرون آمدم کسی تحویلم نگرفت. حتی زنم هم رفت. از سال ۹۰ کارتن خواب هستم. دعا کنید قبل از مردن بچه ام را ببینم.»

از وضعیت شلتر ها یا همان سرپناه های شبانه معتادان که می پرسم راضی است. به قول خودش خیلی از خوابگاه های شهرداری را امتحان کرده «البته آن هایی که بالا شهرند شرایط بهتری دارند. اینجا هم خوب است. حداقل از سرمای هوا دور می مانیم.»

***

شعله های آتش هنوز روشن است. گویا قرار نیست آقایان به این راحتی ها از کشیدن مواد در کنار آتش دست بکشند. با آرامش مشغول کارشان هستند. ورود یک پراید سیاه که کنار خیابان می ایستد آن ها را از جا می کند. همگی می دوند. دو پسر جوان بدون آن که پیاده شوند پرس های چلوکباب را دادند و رفتند. هر کدام جداجدا ظرف های غذا را به طرفم می گیرند...

* بفرما خانم..

- مگر داخل خوابگاه به شما غذا نمی دهند؟

* چرا ولی غذای بدرد بخوری نیست. یا عدسی می دهند و یا لوبیا. آن هم بیشتر آب است. باید کلی بگردیم تا چند عدس شناور در آب پیدا کنیم.

حسن می گوید: چند سال قبل غذای بهتری می دادند. پلو و خورشت و... اما الان فقط غذاهای آبکی می دهند.

اکبر روی پله مغازه ای در حاشیه خیابان تند تند غذا می خورد. من را که کنارش می بیند با خنده ای که دندان های زرد و یکی در میانش معلوم می شود، می پرسد: می خواهی از من گزارش بگیری؟

این جا چه کار می کنی؟

* کسی را ندارم. از شهرستان آمدم تهران تا زندگی بهتری داشته باشم. اول کار گرنوایی بودم. خوب پول در می آوردم ولی معتاد شدم. وضعم که خراب شد کسی به من کار نداد. الان هم این جا هستم.

- چرا نمی روی داخل خوابگاه؟

* آن جا نمی گذارند مصرف کنم. موادم را که بکشم و غذا بخورم می روم.

- راضی هستی؟

* امکاناتش خوب است. فقط صبح های زود، ساعت ۵ باید بیرون بیاییم. در تاریکی هوا در خیابان اسیر می شویم. اگر بتوانند حداقل ساعت بیرون کردنمان را ۷ کنند بهتر است.

- از صبح تا شب چه کار می کنی؟

* گاهی ضایعات جمع می کنم. دله دزدی می کنم یا گوش این و آن را می برم تا پول موادم جور شود. دنبال کار هم هستم. آهنگری و کفاشی هم بلدم. حاضرم حتی با حقوق معمولی کار کنم. اگر کار باشد ترک می کنم و فقط می چسبم به کار. فقط کار می خواهم و یک اتاق ۶ متری.

وحید می پرد وسط حرف هایمان:

* ما این جا دکتر و فوق لیسانس و لیسانس داریم. من خودم فوق دیپلم برق صنعتی دارم. مربی اسکیت هم هستم. ولی الان این جا هستم. کار ندارم و معتادم. کسی هم به من کار نمی دهد. این که فقط این جا بخوابیم چه فایده ای دارد.

بعد هم ادامه می دهد:

* همسرم که فوت کرد نتوانستم دوام بیاورم، معتاد شدم. خانواده خوبی دارم. همه شان در تهران هستند. سه راه طالقانی. ولی پیش آن ها نمی روم. دوست ندارم با آبروی آن ها بازی کنم.

- از خوابگاه می پرسم؟

* «خوابگاه خوبه، فقط غذاش خوب نیست. آب حمام برای دو سه ساعت گرمه. کثیف هم هست...»

محسن، همان که شیشه زده بود شروع می کند به حرف زدن:

«نوشتن این حرف ها چه فایده ای دارد. باور کنید که هیچ کاری نمی کنند. آخرش هم بر ایشان خبر می برند که با شما حرف زده ایم، از فردا شب به خوابگاه هم را همان نمی دهند.» خودش که می گوید خانواده اش به همه بچه های خانواده مهر و محبت دارند به جز او: «چند تا داداش و خواهر دارم که همه دکتر و مهندس هستند. فقط بین آن ها من بی پول و معتاد شدم چون ولخرج بودم و هر چه داشتم خرج می کردم.»

محسن دست به جیبش می کند و با اصرار شماره خواهر و برادرش را به من می دهد تا از آن ها بپرسم چرا سرش کلاه گذاشته اند و سراغی از او نمی گیرند!

علی خیلی متفکرانه فقط گوش می دهد. انگار حوصله درد دل کردن ندارد. می پرسم تو چرا؟

* فرزند طلاق هستم. از بچگی از مادرم خبر ندارم. پدرم هم تا وقتی که زنده بود سرش بازن با با گرم بود بعدش هم مرد. من هم رفتم پیش مادر بزرگم. همان جا هم دوستانم معتادم کردند. الان فقط دنبال کار هستم. اگر به من کار بدهند اعتیادم را ترک می کنم. قیافه اش داد می زند که هنوز ۲۰ سالش هم نشده. همین که دندان های مصنوعی اش را بیرون می آورد، دلم ریش می شود.

* اعتیاد و کتک این بلا سر دندان هایم آورده است.

- کتک؟

چند بار من را بردند کمپ اجباری. راحتمان نمی گذاشتند. فکر می کردند با کتک ترک می کنیم. به خدا اگر به من کار بدهند زندگی ام درست می شود!!

***

به نظرم حدود ۴۰-۳۵ ساله می آید. محمد ظاهری مرتب دارد. پدر و مادرش که فوت کرده اند و خواهری هم دارد که اینجا زندگی نمی کند. زندگی اش از زمانی به هم ریخت که معتاد شد و همه اقوام طردش کردند. دو ماه است که ترک کرده. تجربه هر نوع موادی را هم داشته است. این را خودش می گوید.

* «داخل این خوابگاه هم آدم های عادی مثل شما هستند و هم کسانی مثل ما معتاد. با این فرق که آدم های عادی خانه و زندگی ندارند. من ۷ سال است که از این خوابگاه ها استفاده می کنم. قبلا همه نوع موادی هم می کشیدم الان ۶۸ روز است که پاکم. ولی نگرانم که مبادا زندگی با این معتادها وسوسه ام کند.»

- مگر داخل خوابگاه هم اجازه مصرف می دهند؟

* آن جا نه. اگر کسی مواد هم داشته باشد آن را می گیرند و بیرون می اندازند. ولی بیشتر همین آدم ها مصرف کننده هستند و این وسوسه کننده است. کسی که ترک می کند باید از این مکان ها دور باشد. این جا اگر زود بیایی خوب است می توانی در سالن اصلی که تخت دارد بخوابی. پیراهن و شلوار می دهند و حمام می کنیم. البته از حوله خشک خبری نیست. ولی از ساعت ۱۲ به بعد افرادی را می آورند که کلانتری یا شهرداری جمع می کند و با همان لباس ها داخل یک سالن دیگر می برند. غذایش هم خوب نیست. عدسی و لوبیا می دهند که اصلا نمی شود نگاهش کرد. ساعت ۶ هم برپا می زنند.

- می پرسم از این جا که می روی چکار می کنی؟

میرم شهرک سینمایی برای سیاهی لشکر. صبحانه و ناهار می دهند و ۱۵ هزار تومان دستمزد. الان کار هم پیدا کرده ام ولی مشکل مسکن دارم.

علی دوباره به حرف می آید: فقط کار. بگویید در کنار جای خواب برایمان کار هم پیدا کنند. محمد وسط حرفش می آید: اول باید ترک کنی بعد کار برایت پیدا شود! همین کوچه بغل مرکز کار آموزی بهاران است، ترک کن برو آن جا! علی اما سر حرفش باقی است: «اگر ترک کنم و کار نداشته باشم چه فایده ای دارد، باز هم همین آش است و همین کاسه!» بعد هم انگار یک دفعه چیزی یادش بیاید بلند داد می زند: حالا این حرف ها را زدیم فردا راهمان نمی دهند.

ولی کسی که این جا نیست؟

* همین بچه های خودمان می روند می گویند که فلانی این حرف ها را زد.

اما مهم نیست. می رویم جای دیگر. فقط بنویس زمان حمام کردنمان کوتاه است. ما را صبح های زود بیرون نکنند کلیه درد می گیریم. حوله به ما بدهند و از همه مهم تر برای غذا و ساعت برپا زدن های نیمه شب فکری اساسی بکنند.

او قبل از رفتن به محسن و چند تایی دیگر اشاره می کند که: «خانم این ها شیشه کشیده اند، مخ تان را می خورند، حرف هایشان را گوش نکن»

■ پذیرش روزانه ۶ هزار کارتن خواب

همین چند روز پیش بود که مدیرعامل سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران از پذیرش روزانه ۶ هزار کارتن خواب در مددسراهای شهرداری در ایام زمستان خبر داده بود و این که به آن ها خدمات بهداشتی، درمانی و مشاوره ای ارائه می شود. به گفته رضا قدیمی وقتی که این افراد جمع آوری و به مددسرا منتقل می شوند، در ابتدا برای آن ها حمام و رختکن در نظر گرفته شده و غذای گرم میل می کنند. این خدمات در ۱۹ مددسرا که ۶ هزار نفر از معتادان و کارتن خواب های تهران را در خود جای داده اند، ارائه می شود. وی با تاکید بر این که ۸۰ درصد کارتن خواب ها در تهران، شهرستانی هستند، گفت: به طور متوسط در هفته ۳۰ میلیون تومان هزینه درمان کارتن خواب ها و معتادین می شود. وی تصریح کرد: آمار ما نشان می دهد که حدود ۸۰ درصد کارتن خواب ها معتاد هستند و بر اثر اعتیاد کارتن خواب شده اند، ۲۰ درصد نیز به دلیل مشکلاتی همچون ورشکستگی، شکست عشقی و ... به کارتن خوابی روی آورده اند.

در عین حال اگر چه تلاش کردیم تا با مدیرعامل سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران درباره انتقادات کارتن خواب ها گفت و گو کنیم اما میسر نشد. یک مقام آگاه در شهرداری تهران درباره ادعاهای مددجویان ضمن آن که تاکید کرد فشار کار روی کارکنان خوابگاه های شهرداری بسیار بالاست و بر این اساس ممکن است در موارد نادری برخورد نامناسبی هم با معتادان صورت گیرد، ادامه داد: بیرون کردن مددجویان از خوابگاه ها در ساعات ابتدایی صبح صحت ندارد و شهرداری اصراری به بیرون کردن آن ها ندارد.

ضمن آن که تعدادی از این افراد معتاد نیستند و از خوابگاه ها بیرون نمی روند ولی برخی از آن ها با توجه به این که اجازه مصرف مواد ندارند، از خوابگاه خارج می شوند و برخی از افراد هم دوران ترک را می گذرانند و به مرکز کار آموزی بهاران می روند، بنابراین شهرداری موضوعی با عنوان تخلیه خوابگاه ندارد.

وی خاطرنشان کرد: تمام مددجویان و کارتن خواب هایی که به مددسرا وارد می شوند باید حمام کرده و لباس خود را تعویض کنند حتی آن هایی که از ساعت ۱۲ شب به بعد وارد خوابگاه می شوند یا توسط شهرداری و نیروی انتظامی جمع آوری می شوند. ساعتی هر چند کوتاه را با کارتن خواب ها گذرانده ایم. هوا سرد است. می خواهیم برویم اما آن ها را هل کن ماجرا نیستند. هر کدامشان شماره ای می دهند تا شاید ما خانواده شان را نصیحت کنیم.

قصد رفتن که می کنیم محسن نزدیک می شود، اصرار دارد که دوستش غذا نخورده پول می خواهد. اعتقاد دارم پول دادن دردی از این ها دوا نمی کند. اما دست نیازی است که به سویم آمده. با یک ۵ هزار تومانی راضی می شود. بعد هم به سرعت می گوید: از این جا بروید الان همه می آیند تا از شما پول بگیرند. معطل نشوید!

با خودم می گویم: اعتیاد چه بر سر آدمیزاد که نمی آورد. اعتیاد، طلاق، فقر، مهاجرت، اختلافات خانوادگی و دوستان ناباب... هر کدام جای پایی در زندگی کارتن خواب ها دارد. اگر چه حرف اول و آخر را اعتیاد می زند!

جدول سخت [شماره ۳۵]

طراح جدول: بیژن گورانی

افقی

۱- کنایه از عصبانی شدن یا در تمام روز بد خلق بودن است- شناور بار کش بدون موتور ۲- نوعی هواپیمای جنگی- روایت کننده- برانگیختگی و التهاب درونی- تکرار حرفی از الفبا ۳- واحد پول بلغارستان- نوعی آش نذری- تخمک- ضربان ناشی از جریان خون ۴- حرف ندا- تحقیق و پژوهش درباره موضوعی- ته نشست- بیماری ناشی از تجمع بیش از حد هوا در بافتهای بدن ۵- شلجمی- موی بلند- فرزند زکریای نبی(ع)- شوهر خواهر ۶- نظارت و مراقبت- ملاط- از آثار ماکسیم گورکی، نویسنده روسی ۷- پرنده ای خوش آواز- غارت و چپاول- چیره دستی- هر چیز سبک وزن ۸- دوره تجدید حیات اروپا- منزل آذری- شماره هریک از نامه های اداری- از رهبران حزب نازی ۹- بیهوده- انجمن بین المللی هواپیمایی جهان- از آثار هوشنگ مرادی کرمانی، نویسنده کودک و نوجوان- سمت و سو ۱۰- روز گذشته- ته دیگ- گریناندن- پایتخت ارمنستان ۱۱- روز عرب- اولین قاری قرآن در مسجدالاقصی و ملقب به "پیر قرآن کریم".

عمودی

۱- تنگدستی- چرا کردن ۲- فضای بین دو خط- از آرایه های ادبی ۳- بلندترین قله رشته کوه های زاگرس- کتابی از شمند تألیف شیخ مرتضی انصاری ۴- یادداشت- تهی دست- دارای لکنت زبان ۵- سرگیجه- فن انجام کار ۶- از غذاهای سریع و ساده بین المللی- مادر حضرت اسحاق(ع) ۷- دستاویز- قدرت و تحمل ۸- از نامهای بهشت- ساز ابداعی کریستوفری ۹- اجازه- حرکتی در ژیمناستیک ۱۰- ماشین خاکبرداری- مجله الگوهای لباس ۱۱- ویتامین موثر در پیشگیری از بیماری پلاگر- دنباله رو ۱۲- همبستگی- پاکیزه ۱۳- گوشه ای در آواز بیات ترک- از طوایف کرد ایران ۱۴- موجود خیالی- از انجیل های معتبر ۱۵- سخن در گوشی- از طوایف کرد ایران ۱۶- کربن خالص- پیشوای دینی مسیحیان ۱۷- رودی در روسیه- از گیاهان آپارتمانی زیبا- رب النوع خورشید در مصر باستان ۱۸- نیستان- آبراه کوچك ۱۹- سیخ کباب- عامل سازگاری یا ناسازگاری خونی ۲۰- دستگاه گوارش- رأی ونظری که جنبه مثبت یا منفی ندارد.

حل جدول شماره ۳۴

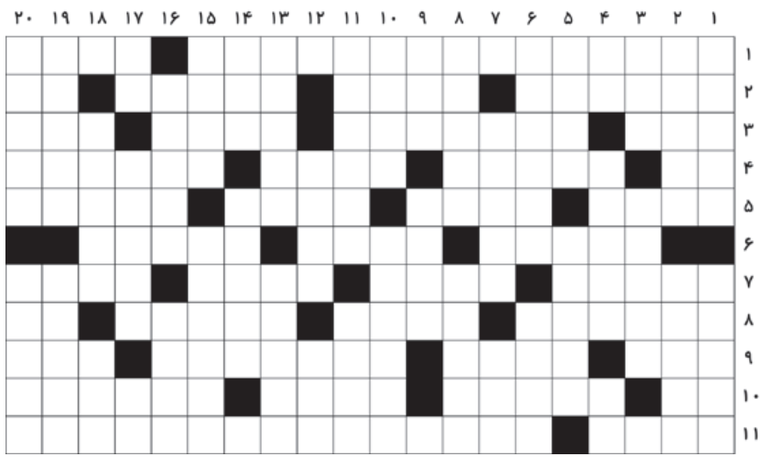

جدول متوسط [شماره ۶۷۴۳]

طراح جدول: مجید شادروح

افقی

۱- شوره زار- از ورزش های زمستانی- موسیقی دان معروف دربار خسروپرویز- خاك ۲- محور چرخ های اتومبیل- بانگ اسب- آلیاژی از مس و روی که در قدیم برای ساختن سماور و ظرف های آشپزخانه به کار می رفت- ضایع ۳- مساوی عامیانه- اسب آذری- واحد طول بیگانه- مسکین- پدر عرب ۴- رها- جلال- گردن زن غلات- سعی- چه وقت ۵- سازتیره- علم- شتر- چین وچروك پوست- عظمت ۶- شتربی کوهان- از رشته های مهندسی- مادر عاریتی ۷- گندم سوده- ظاهر ساختمان- پاك وزدوده- تجارت- آتش ۸- از خدایان مصر باستان- از قدیمی ترین روستاهای شرق ولایت توس- صفحه شیشه ای آزمایشگاه- خواهر یوسف (ع)- بوی رطوبت ۹- حرص- پشیمانی- آتشدان حمام- مادر لر- دشنام ۱۰- تویی لاستیک خودرو- شهری در خراسان رضوی- بصیر- بی حس ۱۱- ارابه- به معنی خارج است فقط حروفش در هم ریخته- بی باك- ساعی

عمودی

۱- ویتامین جدولی- پوستین- واحد سطح- اسب تازی دو..... رود به شتاب / و اشتر آهسته می رود شب و روز ۲- لقب کریم خان زند ۳- درخت تسبیح- جوانمرد- قوه ۴- نقش هنری- حرف نداری ۵- شهری در ایلام ۶- میل به غذا- تالاب ۷- تصدیق ایتالیایی- واحد شمارش انسان- ودیعه ۸- غار- حس بویایی- خروشان ۹- قوم بنی اسرائیل- برادرپدر- درخت انداز ۱۰- از بناهای حکومت اسلامی در هندوستان- عدد ورزشی ۱۱- صدای درشت- آسمان ها ۱۲- فرس- از اقوام غیور کشورمان- روحانی زرتشتی ۱۳- مشاهده- تصدیق فرنگی- رود مصر ۱۴- کارمند بانک- محبت و دوستی- ساز مولانا ۱۵- راهی که به بام خانه باز می کنند و با نردبان بر آن بالا می روند- ملاقات ۱۶- بارگاه هخامنشیان درتخت جمشید ۱۷- عید ویتنامی ها- کربن خالص ۱۸- سود حرام- سلاح کاشتنی- از سوزنی برگان ۱۹- از خوانندگان موسیقی پاپ ایران ۲۰- پایان- عنصری غیرفلز از هالوژن ها- علامت مفعولی- حرف فاصله

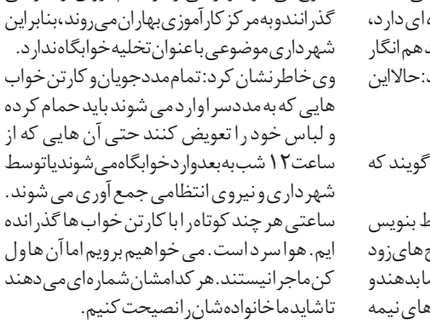

حل جدول شماره ۶۷۴۲

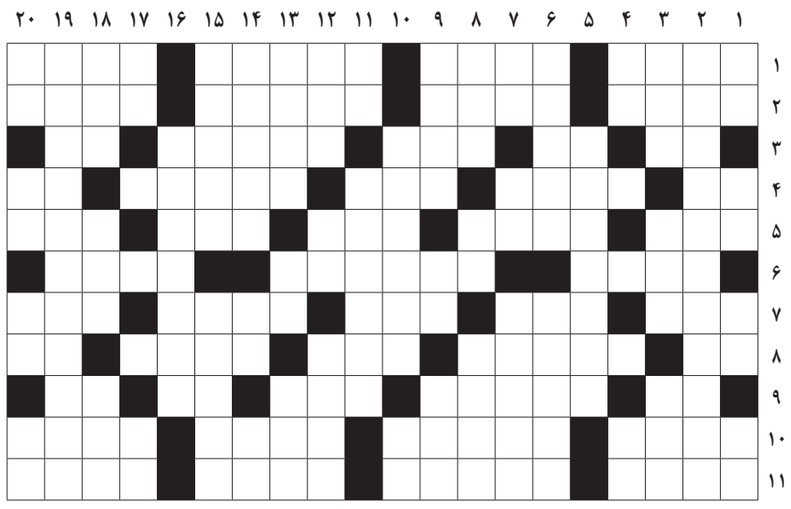

گروه صنعتی سایان
مشاور، طراح و مجری:
- سالن های فلزی سوله
- اسکلت فلزی ساختمان های طبقاتی
- انواع جرثقیل سقفی
م/۹۵۲۸۲۱۴۳
Email: sayansteel@yahoo.com
تلفن: ۰۵۱-۳۳۴۴۳۳۳۳

آگهی فروش
واحدهای مسکونی آستان قدس رضوی
۹۵۳۰۷۶۲۶/ق
آستان قدس رضوی
آستان قدس رضوی در نظر دارد تعدادی از آپارتمان های احداثی واقع در محدوده فرامرز عباسی را با شرایط نقد یا نقد و اقساط از طریق مزایده عمومی واگذار نماید.
متقاضیان محترم می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و بازدید از واحدهای فوق در روزهای شنبه الی چهار شنبه از ساعت ۹ الی ۱۸ به محل دفتر فروش واحدهای مذکور واقع در بلوار فرامرز عباسی-انتهای فرامرز عباسی ۲۵ -نبش شهید یزدی ۱ مراجعه نمایند. ضمنا اطلاعات تکمیلی شامل مشخصات پروژه، مشخصات فنی ساختمان، امکانات عمومی و اختصاصی واحدها از طریق وب سایت ذیل قابل مشاهده می باشد.
www.vagozari.aqr.ir
شماره تماس: ۳۲۰۰۱۳۹۸

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق العاده (نوبت اول) شرکت تعاونی مسکن مهر فدک طوس (در حال تصفیه)
بدین‌وسیله از کلیه سهامداران و اعضای محترم دعوت می‌شود در مجمع عمومی عادی (به طور فوق‌العاده) شرکت تعاونی، ساعت ۹ صبح روز پنج‌شنبه مورخه ۹۵/۱۱/۷ در محل مشهد، بلوار موسوی قوچانی ۲۱، برج‌های فدک حضور بهم رسانند. اعضایی که امکان حضور در جلسه را ندارند می‌توانند حق رای خود را به موجب وکالتنامه کتبی پس از تایید هیئت تصفیه به فرد دیگری محول نمایند. در این صورت تعداد آرای وکالتی هر عضو ۳ رای و غیر عضو یک رای خواهد بود.
دستور جلسه:
۱- گزارش هیئت تصفیه از روند اخذ پروانه بهره‌برداری و اسناد واحدها از آستان قدس و تصویب آن
۲- تصویب صورت‌های مالی (تراز ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵)
۳- تصویب فروش خودرو مزدا و فروش واحدها و پارکینگ‌ها و انباری‌های مازاد شرکت تعاونی و واحد سرایداری
هیئت تصفیه تعاونی
۹۵۳۰۸۲۰۹/م

مجتمع سنگ آهن سنگان
(فراخوان مزایده عمومی یک‌مرحله‌ای) (نوبت اول)
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران- مجتمع سنگ آهن سنگان (واقع در ۲۸۰ کیلومتری جنوب شرقی مشهد و ۳۶ کیلومتری شهرستان خواف) در نظر دارد محصول تولیدی سنگ آهن را از طریق مزایده عمومی یک مرحله‌ای به فروش برساند. کلیه اشخاص حقوقی و حقیقی واجدشرایط می‌توانند با درنظر داشتن شرایط و موارد مندرج در اسناد مزایده نسبت به خرید اسناد اقدام نمایند.
۱- شرح خصوصیات کمی و کیفی:

نوع محصول	مقدار (تن)	Size (mm)	Fe (درصد)	P (درصد)	Feo (درصد)	S (درصد)	Sio۲ (درصد)	رطوبت (درصد)
پرعیار مگنتیت	۲۵۰۰۰±٪۱۰	۰-۱۰	۶۰	≤٪۰/۰۳	۱۸±۲	۱	۵±۱	≤۱

۲- محل تحویل: انبار بندرعباس
۳- زمان فروش اسناد:
اسناد مزایده همه‌روزه از تاریخ ۹۵/۱۰/۲۵ لغایت ۹۵/۱۰/۳۰ به جز ایام تعطیل در ساعات اداری به فروش می‌رسد.
۴- محل فروش اسناد:
- تهران، خیابان سهروردی شمالی، خیابان هویزه شرقی، شماره ۳۳، مجتمع سنگ‌آهن سنگان، تلفن: ۸۱۴۹۲۱۶۰-۰۲۱
- مشهد، خیابان کوهسنگی، بین کوهسنگی ۱۹ و ۲۱، پلاك ۳۷۷، تلفن: ۳۸۴۲۷۰۰۸-۰۵۱ داخلی ۲۰۹
متقاضیان خرید می‌توانند در مهلت مقرر با در دست داشتن معرفی‌نامه و فیش واریزی به مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۰۹۰۹۶۷۰۹۰۰۹ بانک ملی به نام سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران- مجتمع سنگ آهن سنگان به آدرس‌های فوق مراجعه نمایند.
۵- مهلت ارسال پیشنهاد: آخرین مهلت ارسال پیشنهادات، ساعت ۱۲ روز سه‌شنبه مورخ ۹۵/۱۱/۱۲ می‌باشد و پیشنهادات بعد از ساعت و تاریخ مقرر و اعلامی قابل دریافت و پذیرش نمی‌باشد.
۶- زمان و مکان بازگشایی اسناد:
روز چهارشنبه مورخ ۹۵/۱۱/۱۳ ساعت ۱۴ در محل تهران- میدان فردوسی- خیابان سپهبد قرنی- نبش کوچه شریف سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع ایران (مجتمع سنگ‌آهن سنگان)
مجتمع سنگ آهن سنگان
۱/۹۵۳۰۷۸۸۱